

مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران

عباس میرشکاری*، فاطمه سادات حسینی**

چکیده

زیان معنوی، آسیبی است که به حقوق غیرمالی شخص وارد می‌شود. از دیرباز در امکان جبران این نوع از زیان، تردیدهایی وجود داشته است. برای نمونه، در نظام حقوقی آمریکا، آن‌چنان‌که از زیان‌دیدگان مالی حمایت می‌کردند، از اشخاصی که زیان معنوی دیده بودند، حمایت نمی‌کردند. بیم از اینکه خسارت معنوی به میزان واقعی ارزیابی نشده و این دغدغه که روش مناسبی برای جبران آن وجود ندارد، سبب می‌شد دادگاه‌ها تمایلی به جبران آن نداشته باشند. با این حال، دادگاه‌ها به‌ویژه با استفاده از علم روان‌شناسی در حرکتی تدریجی به سمت پذیرش زیان معنوی پیش رفتند. در نظام حقوقی ایران نیز، با وجود آنکه تردیدهایی در جبران زیان معنوی وجود داشته اما همین‌ک و با توجه به صراحت ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، کمتر در لزوم جبران چنین زیانی تردید وجود دارد. با این حال، آنچه هنوز مبهم می‌نماید، روش جبران این زیان است. این ابهام، سبب شده تا برخی از دادگاه‌ها به استناد اینکه روش مشخصی برای جبران وجود ندارد، از صدور حکم امتناع ورزند. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و کاربردی و با استفاده از آرای قضایی و نیز بررسی نظام حقوقی آمریکا روش جبران زیان معنوی را مطالعه نماید. به نظر می‌رسد استفاده از روش عذرخواهی و نیز پرداخت پول، ابزارهای مناسبی برای جبران باشند. البته قاضی باید در هر مورد و متناسب با شرایط هر پرونده، تشخیص دهد که کدام‌یک از روش‌های فوق، با «اوضاع و احوال قضیه» سازگارتر بوده و بهتر می‌تواند زیان زیان‌دیده را جبران کرده و یا حداقل، خسارت او را تسکین دهد.

واژگان کلیدی: زیان، عذرخواهی، جبران، آبرو و حیثیت، قاضی

* استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده)

Mirshekariabbas1@ut.ac.ir

(مسئول)

Hosseini@refah.ac.ir

** استادیار گروه حقوق، دانشکده غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران

مقدمه

زیان، لطمه‌ای است که به یکی از حقوق قانونی اشخاص وارد می‌شود. در قوانین ایران، تعریفی از ضرر به عمل نیامده است، اما در دکترین حقوقی با ارجاع موضوع به عرف گفته شده است: «هرجا نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامتی و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بارآمده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۲). یکی از اقسام زیان، زیان معنوی است. گفته شده «زیانی که به شخصیت، عواطف یا حیثیت تجاری انسان وارد می‌شود و اعتبار او را خدشه‌دار می‌سازد»، خسارت معنوی است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۳). همچنین صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی و علایق خانوادگی، ضرر به عرض و شرف زیان‌دیده یا یکی از اقارب او، ضرر به اعتبار و شعور و زیان به احساسات و شخصیت، همه از مصادیق ضرر معنوی دانسته شده‌اند (اژدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸). از آنجا که ضررهای مادی و بدنی اغلب نمود بیرونی دارند و محسوس هستند راحت‌تر شناسایی شده و در ضرورت جبران آن تردید نمی‌شود. حال آنکه در زیان معنوی، کار به این آسانی نیست؛ به دلیل محسوس و ملموس نبودن این زیان، هم در درک ضرورت جبران آن و هم در نحوه جبران و ارزیابی آن با دشواری روبه‌رویم (Stolker, 1999: 87).

در نظام حقوقی آمریکا بین زیان‌های مالی و غیرمالی تفاوت قائل می‌شدند، (Keefe, 2002: 363) آن‌ها بر این باور بودند که زیان‌های مالی و حتی زیان‌های بدنی قابل دیدن هستند و در نتیجه زیان‌دیده نمی‌تواند درباره آن تمارض یا اغراق کند، (Grey, 2011: 1) در حالی که زیان‌های معنوی ملموس و محسوس نبوده و صرفاً باید به اظهارات زیان‌دیده توجه شود (Grey, 2011: 1). در این رویکرد توجه به خسارت معنوی نیز از باب زیان‌های مالی بود که ایجاد می‌کرد (Sugarman, 2013: 202). به علاوه مسئله دیگر آن بود که چگونه می‌توان میزان زیان معنوی را تخمین زد یا چگونه می‌توان آن را جبران نمود (Sugarman, 2013: 204). برخی زیان‌های روحی را به دلیل ذهنی بودن و دشواری در احراز، رد می‌کردند (Nolan & Ursin, 1982: 583). برخی هم نمی‌توانستند به اظهارات زیان‌دیده در این باره اعتماد نمایند (Givelber, 1982: 42-44). به خصوص که باور داشتند زیان معنوی بیش از آنکه معلول رفتار زیان‌دیده باشد، معلول روحیه حساس و شکننده زیان‌دیده است (Mitchell v. Rochester Ry., (N.Y. 1896)). به علاوه پذیرش این نوع زیان، افراد را با مسئولیت‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه می‌کند (Pagekeeton., 1984: 54,55). همچنین نگرانی از ورود سیلی از دعاوی مانع پذیرش زیان معنوی می‌شد (Marlowe, 1988: 764). به این ترتیب در اولین بیانیه مسئولیت مدنی، جز در موارد استثنایی مثل تحویل نادرست جنازه یا عدم تحویل تلگراف، زیان معنوی را نپذیرفتند (Magruder, 1936: 874). اما ظهور مبانی نظری جدید در حوزه خسارات معنوی

نظیر اینکه ماهیت غرامت پرداخت شده به زیان دیده، جبرانی نبوده و برای تسلی خاطر زیان دیده است و نیز قابلیت تشخیص بسیاری از مصادیق زیان‌های معنوی به لحاظ پیشرفت‌های پزشکی، نظر غالب را بر آن قرار داد که این زیان‌ها هم قابل جبران است البته با روش‌های متناسب با خود. (Grey, 2011: 2) دادگاه‌ها هم به این سمت متمایل شدند (1: Grey, 2011; 583-604; Kuresh, 1982) و غفلت از زیان معنوی را جایز ندانستند (Warren, 1990: 193). در نتیجه، امروزه شاهد آنیم که در نظام حقوقی مذکور تردیدی در ضرورت جبران خسارات معنوی نیست و از راهکارهای متعددی برای جبران و ارزیابی آن استفاده می‌شود. برای مثال کوتاه‌شدن دوره زندگی به عنوان یکی از خسارت‌های قابل جبران شناخته شده است. درد و رنج که ممکن است پایگاه مادی هم نداشته باشد و حتی همراه با زیان بدنی هم نباشد، علاوه بر اختلالات روانی به رسمیت شناخته شد. (Visscher, 2010, 48) علاوه بر این‌ها خسارتی که به واسطه ازدست رفتن مطبوعیت و از دست رفتن لذت‌های متعارف زندگی هر فرد ایجاد می‌شد نیز به عنوان نوعی از خسارت معنوی در بسیاری از ایالات پذیرفته شد. (Slensnick & Mulliken, 2004: 249).

در نظام حقوقی ایران نیز در خصوص قابلیت جبران زیان معنوی تردید وجود داشت: چنان‌که برخی معتقدند که کسر اعتبار و حیثیت و صدمات روحی قابل اندازه‌گیری و تقویم به پول نیستند. در واقع، چطور ممکن است آبرو و حیثیت را با پول سنجید و مبلغی وجه در برابر آن قرار داد؟ آیا توهین به شخصیت انسانی نیست که حیثیت و اعتبار و عاطفه‌اش با پرداخت پول اندازه گرفته شود؟ آیا محکوم شدن عامل زیان به پرداخت خسارت معنوی، برای زیان دیده اعاده حیثیت و اعتبار می‌نماید و عاطفه جریحه‌دار شده را باز می‌سازد؟ به نظر اینان، پاسخ همه این پرسش‌ها منفی بوده و تصور می‌کنند که پرداخت مبلغی وجه ولو هنگفت در حق زیان دیده نه تنها آرام‌بخش تألمات روحی او نخواهد بود و اعتبار و حیثیت او را جبران نخواهد کرد، بلکه توهینی است به شخصیت او، زیرا او در برابر آبرو و حیثیت خود، پول دریافت می‌کند و با این عمل ناپسند ارزش و معنویت خود را از دست می‌دهد (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). تحت تأثیر همین تردیدها، علی‌رغم تصریح بر لزوم جبران خسارت معنوی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و برخی قوانین دیگر، با نظر کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی مبنی بر فقدان جواز شرعی مطالبه زیان معنوی (پرسش و پاسخ از کمیسیون، ۱۳۶۲: ۳۹) و نظریه شورای نگهبان در مورد تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۵ مبنی بر «تغایر تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی با موازین شرعی» (مدنی، ۱۳۷۶: ۶۶) قابلیت مطالبه خسارت معنوی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ حذف شد. با این حال، اندک‌اندک این تردیدها از میان رفت. چنان‌که در نظریات رسمی بر این نکته تصریح شد که:

«مقررات مربوط به مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی (نیز) نسخ نشده و اصل ۱۷۱ ق.ا. هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است». (نظریه مشورتی اداره حقوقی به شماره ۷/۵۹۴۷ به تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۳؛ به نقل از: شهری و حسین‌آبادی، ۱۳۷۲: ۲۳) بنابراین رویکرد تغییر کرد؛ مدت‌هاست لزوم جبران خسارات معنوی امری بدیهی شمرده می‌شود، زیرا روح و روان انسان‌ها همچون جسم و مال ایشان و حتی بیشتر ارزشمند است و نباید مورد تعرض قرار بگیرد. این وظیفه نظام حقوقی در هر جامعه است که از سرمایه معنوی مردم حمایت کند و بدان‌دیشان یا بی‌احتیاطان را از ایراد لطمه به جان و روان دیگران بازدارد. به‌علاوه، گفته شده که هر چند ارزیابی و جبران خسارت دشوار است، اما دشواری امر نباید باعث نفی اصل قضیه شود. در واقع، اگرچه جبران زیان معنوی مهم است، اما صرف نظر از روش تعیین شده، هدف، شناسایی حقانیت زیان‌دیده و سزاواری او برای حمایت‌شدن است. اینکه دادگاه از آنکه حیثیتش بر باد رفته حمایت می‌کند، نشان از این دارد که نظام حقوقی، زیان‌دیده و حق او را به رسمیت می‌شناسد (Lambert, 1999:165). از سوی دیگر، جبران ضرر معنوی نه تنها خلاف اخلاق نیست، بلکه عدم جبران این‌گونه خسارات و معافیت واردکننده زیان معنوی از مسئولیت، خلاف اخلاق است.

با توجه به همین نکته‌ها، نظام حقوقی ایران نیز، با تصویب ماده ۲۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به سمت قابلیت پذیرش زیان معنوی حرکت کرد. بر اساس ماده ۱۴ قانون اخیرالذکر، «شاک می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های... معنوی... ناشی از جرم را مطالبه کند». با وجود اطلاق این حکم، در تبصره ۲ این ماده، تلاش شده تا قلمروی مطالبه ضرر معنوی محدود شود. چنان‌که در این تبصره می‌خوانیم: «... مقررات مرتبط به... ضرر معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود». بدین ترتیب، در جرایم تعزیری و نیز، مستوجب دیه تنها باید به اعمال تعزیر و دریافت دیه بسنده کرد و زیان معنوی در این موارد، قابل مطالبه نیست؛ رویه قضایی نیز از همین رویکرد پیروی کرده و زیان معنوی را با دیه قابل جمع نمی‌داند. با این حال، حقیقت این است که این دیدگاه، اصل جبران کامل خسارات را نادیده گرفته و سبب بدون جبران ماندن بخشی از زیان‌ها می‌شود. به‌ویژه، عدم امکان جمع تعزیر و زیان معنوی بیشتر قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد؛ چه با توجه به ماهیت جداگانه هر یک (مسئولیت کیفری و مدنی) دلیلی برای عدم امکان جمع آن‌ها وجود ندارد. به هر روی، در وضعیت کنونی، خسارت معنوی با دیه و نیز، با تعزیرات منصوص شرعی قابل جمع نیست. جدا از نادرستی این منطوق، باید از مفهوم مخالف آن استفاده کرد. بدین ترتیب، جمع میان زیان معنوی با سایر مجازات‌ها، شدنی خواهد بود. به‌علاوه، با توجه به اینکه حکم تبصره خلاف اصل قابلیت جبران

زیان معنوی است (ماده ۱۴) باید آن را به صورت مضیق تفسیر کرد. برای همین، زیان معنوی تنها با «تعزیرات منصوص شرعی» به معنای خاص کلمه قابل جمع نیست، بدین ترتیب، زیان معنوی با سایر تعزیرات (حکومتی) قابل جمع خواهد بود (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۸۳).

به هر حال، مسئله اصلی بعد از پذیرش زیان معنوی، این است که چه روشی بهتر می تواند زیان وارده را جبران کند؟ در واقع مشکل آنجاست که اگر محاکم زیان های معنوی را به رسمیت هم بشناسند باز این پرسش اساسی مطرح است که چگونه در پی جبران آن برآیند؟ از چه ابزاری برای جبران خسارت معنوی با تنوعی که برای آن متصور است استفاده کنند و چه معیارهایی را در نظر بگیرند؟ به خصوص آنکه زیان معنوی پایگاه محسوس و مادی ندارد و دشوارتر آنکه هر کس به شکلی متفاوت آن را تجربه می کند. قضات باید از چه شیوه ای استفاده کنند که هم خسارت زیان دیده جبران شود و هم بیش از آن مورد حکم قرار نگیرد؟ در این خصوص قوانین موجود ما راهکاری ارائه نداده اند؛ البته با توجه به ویژگی های زیان معنوی این امر می تواند از محاسن نظام حقوقی ما قلمداد گردد. چراکه اختیار تعیین روش در هر پرونده به عهده دادگاه قرار می گیرد و این موضوع باعث انعطاف در جبران خسارت های معنوی و همگامی با نیازها می شود. در رویه قضایی نمونه هایی از روش های جبران خسارت نظیر روش عذرخواهی، انتشار حکم عامل زیان در جراید و حتی روش های مالی مشاهده می شود و این پرسش را ایجاد می کند که برای مثال عذرخواهی شیوه مناسبی برای جبران زیان معنوی است؟ در چه مواردی و تا چه حدی می تواند مؤثر باشد؟ یا اگر قرار است از روش مالی استفاده کنیم ارزیابی بر چه اساسی باید صورت بگیرد؟

در ادبیات حقوقی ایران، پژوهش های ارجمندی در رابطه با خسارت معنوی صورت گرفته است؛ با این حال، اغلب این پژوهش ها ناظر به پذیرش ضرورت جبران خسارت معنوی است، عمدتاً نیز، تلاش شده با تأکید بر منابع فقهی، خسارات معنوی نیز همچون خسارات مالی قابل جبران دانسته شود (نیک فرجام، ۱۳۹۲: ۱۱۵؛ ربانی، ۱۳۹۹: ۱۱۱). در برخی از پژوهش ها نیز، تلاش شده بر لزوم قابلیت مطالبه زیان معنوی در مصادیق خاص، تأکید شود. برای مثال در مقاله «جبران خسارت معنوی ناشی از معالجات پزشکی در حقوق ایران و آمریکا» نویسندگان می کوشند خسارات معنوی ناشی از معالجات پزشکی را قابل جبران بدانند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۹). در پژوهش های «شیوه های جبران خسارت معنوی در زندگی مشترک زوجین» (مرادزاده و رضوی، ۱۳۹۵: ۵) و «جبران مالی خسارت معنوی در طلاق ناشی از سوء رفتار» (داوودی، ۱۳۹۰: ۱۲۳) نیز به جبران خسارت معنوی در حوزه خانواده پرداخته شده است. عمدتاً نیز، رویکرد این مقاله ها، تفسیر متون قانونی مربوط است و کمتر تلاش شده دیدگاه رویه قضایی در این خصوص بررسی شود. با توجه به

این نکته، در مقاله پیش‌رو تلاش می‌شود دیدگاه‌های موجود در رویه قضایی نیز بررسی گردد. به‌علاوه، با توجه به اینکه یکی از موانع اصلی بر سر راه پذیرش کامل جبران زیان معنوی، عدم وجود روش مناسب برای جبران این زیان است، تلاش می‌شود بر سر روش جبران زیان معنوی گفت‌وگو شود. همچنین، برای استفاده از تجربه سایر نظام‌های حقوقی، تلاش می‌شود رویکرد نظام حقوقی آمریکا در خصوص زیان معنوی نیز، بررسی گردد. بر این اساس، در بند نخست مقاله، به روش جبران آن در حقوق آمریکا و سپس به رویکرد نظام حقوقی ایران پرداخته خواهد شد.

۱. روش جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی آمریکا

ضرورت جبران خسارات معنوی در حقوق آمریکا مورد تردید نیست، گرچه هدف اساسی در جبران آن بیشتر تسلی خاطر زیان‌دیده و تسکین آلام اوست. در نظام حقوقی آمریکا روش ثابتی برای جبران زیان معنوی وجود ندارد، با این حال، تلاش برای بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی که پیش از وقوع زیان داشته، هدف اصلی است (Buccafusco & Bronsteen, 2008: 1549). با توجه به این هدف می‌توان گفت، برای جبران خسارت معنوی دوروش مالی و غیرمالی وجود دارد (Buccafusco & Bronsteen, 2008: 1549). در روش غیر مالی از طرفی مانند عذرخواهی از زیان‌دیده، انتشار خبر برائت زیان‌دیده یا اعلام جرم عامل زیان در جراید استفاده می‌شود. این روش‌ها تا حدی می‌توانند زیان‌دیده را به وضع قبل برگردانند یا دست‌کم از ضرر بیشتر او جلوگیری نمایند (Faure, 2009: 27, 29). (Halson, 2015: 22, 23). با این حال در مواردی که جبران خسارت از طریق غیرمالی ممکن نباشد، از روش‌های مالی استفاده می‌شود. در این روش، دشواری اصلی آن است که خسارات معنوی قیمت بازاری یا مظنه مشخصی ندارند، به‌علاوه، با توجه به ماهیت غیر محسوس و متغیر بر اساس افراد، ارزیابی آن دشوار است (Laure, 2009: 48). با توجه به این دشواری، در برخی از موارد، بیش از آنکه خسارت وارده ارزیابی شود، رفتار عامل زیان مورد بررسی قرار می‌گیرد: در مواردی که عامل زیان با رفتاری سهل‌انگارانه و به‌صورت غیر عمد موجب ورود زیان به زیان‌دیده می‌شود، قضات از روش خسارت اسمی^۱ استفاده می‌کنند. در این موارد حکم به خسارت اسمی نمادی است برای نشان دادن تسامح عامل زیان که در صورت تدبیر می‌توانست از آن جلوگیری کند. حکم به خسارت نمادین برای آن است که رفتار ناشایست عامل زیان، تقبیح شود و از این طریق زیان‌دیده تسکین یابد (Wells, 2021: 6,7,8). قابل توجه است که میزان خسارت اسمی نباید آن قدر باشد که جنبه تنبیهی داشته باشد (Sugarman, 2004: 210). این روش، گرچه همراه با پرداخت پول است، لیکن به‌دلیل ناچیز بودن

1. Nominal damages

مبلغ، بیشتر به جبران غیرمالی می ماند. برای مثال در آمریکا در تجاوز به املاک دیگران از خسارت نمادین استفاده می شود، زیرا خسارت مادی وارد نشده و درعین حال لازم است برای رضایت خاطر زیان دیده اقدامی انجام و فعل عامل زیان تقبیح شود (Hasen, 2017: 38). از نهاد خسارت تنبیهی نیز، بر مبنای توجه به رفتار عامل زیان استفاده می شود.^۱ ماهیت این خسارت نیز ترمیم نیست، بلکه حکم به آن نشان دهنده رفتار ناشایست و مستوجب شماتت عامل زیان است که در تسکین خاطر زیان دیده نیز بی تأثیر نیست (کوشش کار و قاسمی، ۱۳۹۸: ۵۲؛ Markel, 2009: 1383). به عنوان نمونه در این رابطه دو مثال آورده می شود؛ در یک مورد تکنسین خون گیری اشتهاً از سوزن استفاده شده دوباره استفاده کرده بود و زیان دیده که برای اهدای خون به بانک خون رفته بود را توصیه به آزمایش ایدز پس از ۶ ماه نموده بود، زیرا در صورت انتقال ویروس اچ آی وی حداقل ۶ ماه زمان برای آشکار شدن بیماری لازم است. زیان دیده در مدت ۶ ماه با اضطراب و نگرانی مواجه بود. با این حال به دلیل احتمال کم سرایت بیماری دادگاه خسارت تنبیهی برای تکنسین تعیین کرد. در یک مثال دیگر، مدیر یک دبیرستان یکی از دانش آموزان را در حال کشیدن سیگار دید و بدون این که توضیحی از او بخواهد به تصور اینکه ماده مصرف شده ماری جوانا است او را به مدت ۲۰ روز تعلیق کرد. دانش آموز گرچه به لحاظ احساسی متأثر نشده بود، اما به خاطر آبرو و کرامت خویش شاکی بود. بسیاری دادگاهها در چنین مواردی به دلیل فقدان خسارت عاطفی به خسارت اسمی یا گاهی تنبیهی بسنده می کنند (Faure, 2009: 52).

در مواردی که دادگاهها تمایل دارند تا با تأکید بر زیان وارده، غرامت را تعیین کنند، اختلافها بیشتر می شود: برخی برای جبران زیانهای معنوی روش یکسان سازی یا متعارف سازی را پیشنهاد می کنند. اینان زیان معنوی را نیز بر اساس معیار انسان متعارف در نظر گرفته و آن را بدون توجه به ویژگی های شخصی و بر اساس پرونده های سابق و رویه موجود ارزیابی می کنند. اینان می پذیرند که نظریه شان به دلیل عدم توجه به خصوصیات شخصی هر زیان دیده که در میزان واقعی زیان قطعاً مؤثر است، ایراد دارد، لیکن بر این عقیده اند که این روش به دلیل اینکه قابل پیش بینی و قابل مدیریت است کارآمدتر خواهد بود، به خصوص آنکه برای بیمه گرها هم مساعدتر است. طبق نظر ایشان، اگر تفاوت های فردی، قربانی نظم اداری شود اشکالی ندارد، به ویژه آنکه فلسفه جبران خسارت معنوی ترمیم و جبران به معنای واقعی نیست، بلکه تسکین زیان دیده است (Avraham, 2015: 11). بنابراین این دسته استفاده از روش مقطوع خسارت را در خسارت معنوی نیز مناسب دیدند (Faure, 2009:)

48). اینان به مفهومی به نام انصاف افقی نیز، استناد می‌کنند: انصاف افقی به آن معناست که افراد با خسارات مشابه و شرایط برابر، مبلغ مشابهی برای خسارت معنوی دریافت کنند. برای مثال، زیان به بینایی در یک چشم برای الف و ب، خسارت معنوی یکسانی ایجاد می‌کند. اما سؤال اساسی آن است که آیا واقعاً امکان همانندی خسارت وجود دارد؟ اشخاص با توجه به موقعیت‌هایی که دارند، حادثه‌ها را به شکل‌های گوناگونی تجربه می‌کنند: خسارت به آبرو برای یک معلم و ولگرد خیابانی یکسان نیست، همچنان‌که خسارت ازدست‌دادن لذت ورزش برای یک جوان فوتبالیست و یک مرد هفتاد ساله یکسان نخواهد بود. این نکته، نشان می‌دهد که ایجاد انصاف افقی دشوار و در عمل بحث‌برانگیز است (Blumstein et al, 1991: 171). بدین ترتیب، ایراد اصلی این روش، به بی‌اعتنایی به «ویژگی‌های شخصی زیان‌دیده» بازمی‌گردد؛ ویژگی‌هایی که در مفهوم ضرر معنوی دخالت مستقیم دارد و میزان زیان را در هر مورد تعیین می‌کند. درست است که در خسارت معنوی هدف تسکین زیان‌دیده است، ولی طبیعی است که وضعیت خاص هر زیان‌دیده در این تسکین مؤثر است. با نقد این روش، برخی روش طبقه‌بندی خسارات معنوی را پیشنهاد کردند. به باور اینان، با ایراد خسارت معنوی، باید دید تا چه اندازه، عملکرد اجرایی، احساسی، اجتماعی و شغلی فرد تحت‌تأثیر قرار گرفته است، یعنی باید دید خسارت در این حوزه‌ها برای زیان‌دیده چه اثراتی داشته است. بر اساس آثار هر آسیب، خسارت‌ها طبقه‌بندی می‌شود، به گونه‌ای که خسارت‌های جدی در طبقات نخست و خسارت‌های جزئی در طبقات پایین قرار می‌گیرند. بر همین اساس نیز، خسارات به خسارات حداقلی، خفیف، متوسط، شدید، خیلی شدید و فاجعه‌بار طبقه‌بندی شده و میزان غرامت برای هر طبقه تعیین می‌شود (Ubel, 2008: 208). با این حال، نکته در این است که در این روش، در هر طبقه و با ورود خسارت‌های مشابه، زیان‌دیدگان مثل هم آسیب نمی‌بینند. بدین ترتیب، این شیوه باعث می‌شود بعضی‌ها بیش از حد و برخی کمتر از میزان واقعی زیان، خسارت بگیرند (Avraham, 2015: 10).

یک روش برای محاسبه خسارت معنوی در حقوق آمریکا به روش پرداخت روزانه معروف است؛^۱ در این روش مدت احتمالی که زیان‌دیده با خسارت دست‌وپنجه نرم می‌کند توسط کارشناس مشخص می‌گردد و سپس بر اساس واحد زمانی مثلاً روزانه مبلغی معین می‌گردد. برای مثال روزانه \$۱۰. این روش هیچ معیار دقیقی برای رسیدگی مشخص نمی‌کند و تنها مبلغی که برای واحد زمانی مشخص آورده می‌شود امکان به‌کارگیری در سایر دادگاه‌ها را دارد. بسیاری از قضات این روش را

1. Per-diem Method

به دلیل کاربرد کاملاً کمی و ریاضیاتی رد کردند (Geistfeld, 1995: 783).

در مقابل برخی برای ارزیابی زیان معنوی شیوه تمایل به پرداخت را پیشنهاد دادند؛ شیوه تمایل به پرداخت آن است که ببینیم با توجه به پیش‌بینی خطر خسارت، هر کس چه قدر حاضر است بپردازد تا از آن زیان جلوگیری کند. در حقیقت در این روش از مردم سؤال می‌شود که چقدر حاضرند بپردازند تا از خسارت مثلاً از دست دادن یکی از عزیزانشان جلوگیری کنند. سپس این رقم در میزان خطر ضرب می‌شود و رقم خسارت را به دست می‌دهد. به عبارت دیگر یک انسان متعارف حاضر است برای اجتناب از خطر ۱ از ۱۰۰۰۰۰ چه قدر پول بدهد تا در وضعیت زیان قرار نگیرد؟ اگر این رقم برای مثال $2/50$ \$ باشد، خسارت خواهان 25000 \$ خواهد بود. همچنین می‌توان حداقل رقمی را که خطاکار بالقوه حاضر است برای جبران خطر احتمالی بپردازد و مسئولیتش را بیمه نماید، در نظر گرفت و مبنای پرداخت خوانده قرار داد (Geistfeld, 1995: 775).

البته این روش هم مصون از انتقاد نیست، زیرا سطح دارایی مالی در آن مؤثر است و کسی که پول کمتری دارد و رقم کمتری می‌تواند بپردازد، لزوماً زیان معنوی کمتری نمی‌بیند. حتی اگر مبلغ قابل پرداخت برای متوسط جامعه ملاک قرارگیرد، مسئله دیگری مطرح می‌شود که آیا متوسط مردم واقعاً مایل به پرداخت آن مبلغ برای اجتناب از خطر هستند. ممکن است افرادی به دلیل بعد دانستن زیان اصلاً حاضر به پرداخت نباشند، در حالی که اگر زیان رخ دهد قطعاً متأثر خواهند شد (Geistfeld, 1995: 775).

به هر حال باید اذعان نمود که مبلغ مورد نظر به آسانی به دست نمی‌آید، چراکه هیچ کارکرد تجاری واضحی برای تمایل به چنین پرداختی وجود ندارد. به علاوه، در تعیین رقم بدون شک قدرت سازگاری افراد مختلف با مسائل و تجربه آن‌ها از خسارت متفاوت خواهد بود. در واقع زیان بالقوه است و ما می‌خواهیم ببینیم مردم برای پیشگیری از این زیان حاضرند چه قدر بپردازند. اما نکته آنجاست که علاوه بر سطح ثروت و درآمد افراد و اصلاً تمایل ایشان برای پرداخت، خصوصیات شخصی آن‌ها نیز در تعیین رقم مؤثر است. برای مثال، اگر از مردم پرسیده شود چه قدر حاضرند بپردازند تا از ۱٪ خطر از دست دادن عضوی از بدن اجتناب کنند، بسیاری از ایشان آن را مثلاً یک صدم ارزش‌گذاری می‌کنند، برخی نیز ممکن است خطر ۱٪ را چشمگیر و برخی ناچیز بدانند و دیگرانی در اندازه آن اغراق کنند (Sugarman, 2013: 215). بنابراین تئوری تمایل به پرداخت از رابطه بین پول و خطر بر اساس قیمت‌های بازار استفاده می‌کند. شاید این روش در مورد خسارات معنوی پدیدآمده از نقض قراردادها مناسب باشد، اما در مواردی نظیر زیان معنوی وارد بر بدن مثل قطع عضو یا زیان معنوی کاهش عمر، امر را پیچیده‌تر می‌کند.

در کنار این روش‌های عمدتاً نوعی (Avraham, 2015: 10)، تمایل دادگاه‌ها به ارزیابی شخصی خسارات معنوی است، زیرا هر زیان‌دیده‌ای اثرات خسارت را به صورت متفاوت تجربه می‌کند (Stapley V. Hejylet, [2006] BCCA 34, at para 107)، بر این اساس، تعیین میزان خسارت با توجه به درمان پزشکی و روند آن، زمان ازدست‌رفته، فعالیت‌های زیان‌دیده که ترک شده، اثر خسارت روی نحوه زندگی خواهان که پیش از فعل زیان‌بار داشته، شرایط خانوادگی او، وضعیت دوستان و همکاران وی، نیازهای خاص خواهان برای احساس رضایت، طول مدت زیان، اعتبار زیان‌دیده و جایگاه اجتماعی او و هم‌پوشانی چند عنوان زیان صورت می‌گیرد (Dorey & Rentiers, 2014: 3). حتی در بعضی از اقسام خسارت معنوی نظیر خسارت کاهش زندگی که تا حدی امکان تعیین رقم مقطوع بر اساس آمار و میانگین طول عمر انسان‌ها و احتمال خطرانی همچون بیماری‌ها و صدمات وجود دارد، باز دادگاه‌ها تمایل به تأثیر ویژگی‌های شخصی دارند (Landfeld, 1982: 555).

در راستای همین باور، برخی معتقدند پاسخ به برخی سؤالات نظیر اینکه مثلاً چه میزان پول می‌تواند شادی شما که در اثر صدمه وارده، از بین رفته را جبران کند یا تسلی بخش شما باشد، می‌تواند راهگشا باشد. در این روش رابطه بین درآمد و هر اتفاقی در زندگی مثلاً محرومیت از یک فعالیت بررسی می‌شود (بادینی و حسینی، ۱۴۰۰: ۲۱۵). به موجب این تئوری باید بررسی شود افزایش چه میزان پول به درآمد زیان‌دیده می‌تواند معادل شادی ازدست‌رفته، به زیان‌دیده شادی بدهد. محاسبه نسبت بین این دو، نرخ مناسبی از میزان پولی که رضایت زیان‌دیده را با توجه به رنجی که کشیده تأمین می‌کند، به دست می‌دهد (Oswald et al, 2008: 221). در واقع موضوع اصلی این نظریه میزان شادی به دست آمده در قبال افزایش مشخصی بر میزان درآمد است. البته سطح زندگی و رفاه جامعه بر این احساس شادی بی‌تأثیر نیست. (Oswald et al, 2008: 220, 221, 222)

از جمله ابزارهایی که در آمریکا برای واقعی‌تر شدن میزان خسارت تعیینی از آن، استفاده می‌شود، استفاده از هیئت منصفه است. می‌توان مدعی شد اهمیت هیئت منصفه در نظام حقوقی آمریکا بیش از هر کشور دیگری است. در اصلاحیه هفتم قانون اساسی آمریکا در راستای حفظ حقوق مردم، در برخی دعوی حقوقی علاوه بر دعوی کیفری هیئت منصفه پیش‌بینی شده است (Czerwien, 2014: 430). بنابراین در نظام حقوقی آمریکا در تعیین مسئولیت و میزان خسارت هیئت منصفه می‌تواند اثرگذار باشد. از نظر حقوق‌دانان آمریکایی هیئت منصفه تأثیر غیرقابل‌انکاری در مسئولیت مدنی دارد. رویه قضایی آمریکا مؤید آن است که بیشترین میزان جبران خسارت مربوط به آرائی است که هیئت منصفه صادر کرده‌اند (صفری و دهقانی، ۱۳۹۸: ۱۴۰). در اغلب موارد ارجاعی به هیئت منصفه قضات از ارائه استانداردهای ارزیابی خسارت به هیئت منصفه خودداری می‌کنند و تنها از

ایشان می‌خواهند با توجه به وضعیت زیان‌دیده مبلغی را مشخص‌کنند که احتمالاً بتواند او را تسلی دهد (Geistfeld, 1995: 721).

به‌هرروی، در روش مالی، هدف اصلی فراهم کردن رضایت خاطر، تسلی و آرامش و دل‌داری زیان‌دیده است تا از طریق معادل مالی بتواند بخشی از رضایت خاطر را به‌دست‌آورد یا جایگزینی هرچند نامشابه برای شادی ایجاد کند. همچنین، تلاش برای سازگاری زیان‌دیده با وضع جدید هم مهم است. (Buccafusco) شاید مقداری پول در مقابل تجربه شخصی درد و رنج جسمی و روحی و ازدست‌دادن مدتی از زندگی و امثال آن، دست‌کم آرامشی نسبی برای خواهان فراهم کند، گرچه نمی‌تواند دشواری‌های زندگی او را کاهش دهد (Andrews V. Grand and Toy Alberta Ltd) (Garrow, Halsen, 269 (1978), 83 DIR (3d) 452 (scc)).

بدین ترتیب، دادگاه‌ها تلاش می‌کنند به میزانی از غرامت رأی بدهند که زیان‌دیده را تسکین داده و او را به آرامش برساند. با این حال، به‌منظور اینکه دست دادگاه در تعیین غرامت بی‌اندازه باز نباشد و خواننده و بیمه‌گر او با ارقام غیرقابل‌پیش‌بینی روبه‌رو نشوند، برای غرامت سقف تعیین شده است (Faure, 2008: 223; Jolowicz, 1963: 202).

بر این اساس، برای خسارت‌های معنوی، سقف مشخصی برای غرامت تعیین می‌شود تا بیش از آن امکان تعیین خسارت وجود نداشته باشد. تقریباً در تمام ایالات آمریکا این سقف‌گذاری انجام شد. یعنی در همه موارد ولو در غیر روش‌های طبقه‌بندی، سقفی برای خسارات معنوی در نظر گرفته شد تا از ارقام نجومی، غیرواقعی و غیرقابل‌پیش‌بینی اجتناب شود. اما ایالت‌ها در عملکردشان در این باب متفاوت بودند. مثلاً برخی نظیر کالیفرنیا برای اشکال خاص خسارت مانند اشتباهات پزشکی سقف قرار دادند یا برخی ایالات به قضات اجازه دادند در موارد واقعاً شدید از میزان حداکثر بیشتر تعیین خسارت کنند (Avraham, 2015: 12).

۲. روش جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران

به‌طور کلی در حقوق مسئولیت مدنی، برای جبران زیان، دو شیوه جبران عینی و بدلی وجود دارد (صفایی و ذاکری نیا، ۱۳۹۴: ۲۸۳-۲۶۵). در روش عینی، تلاش می‌شود منبع زیان از بین برود، برای نمونه، آنجا که مال مغضوب در ید غاصب است، حکم به استرداد آن می‌تواند زیان‌دیده را به وضعیتی که پیش از ورود زیان داشته، بازگرداند. همچنین، می‌توان شخصی که سبب از بین رفتن زیبایی دیگری شده را به پرداخت هزینه عمل جراحی زیبایی محکوم نمود تا زیبایی از دست‌رفته، باز گردد یا آنگاه که شخصی در صدد است با انتشار مطلبی کذب آبروی دیگری را ببرد، پیش از انتشار، دستور توقیف مطلب را صادر کرد تا از اساس، زیانی به وجود نیاید. در این نمونه‌ها، منبع ایجاد زیان

(با استرداد، عمل جراحی زیبایی یا دستور توقیف) از بین می‌رود. طبیعتاً، روش عینی از آنجا که به هدف حقوق مسئولیت مدنی یعنی بازگرداندن زیان دیده به وضعیت نخست، نزدیک‌تر است، مطلوب‌تر نیز بوده و بر روش بدلی برتری دارد (میرزایی گرمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۵-۱۲۹) اما همیشه، این روش قابل کاربرد نیست. در فرضی که مال از بین رفته و یا مطلبی که سبب لطمه به آبروی دیگری می‌شود، منتشر شده، دیگر راهی برای از بین بردن منبع زیان وجود ندارد. در این فرض، از روش بدلی استفاده می‌شود (فصیحی‌زاده و سعیدی، ۱۳۹۵: ۲۲۸-۲۲۵ و ۲۴۶). در زیان‌های مالی، اجرای این روش، با دشواری خاصی روبه‌رو نیست: مالی که امکان استرداد آن وجود ندارد، در بازار مثل یا قیمت دارد. بنابراین، در فرضی که امکان استرداد خود مال وجود ندارد، به ناچار، باید به سراغ بدل آن رفت (آقابابا، ۱۳۹۷: ۵۵-۶۱ و ۶۸) اما این روش، در زیان معنوی، جوابگو نیست. آبروی از دست رفته الف، نظیری ندارد. منحصر به فرد و مخصوص آقای الف است. بنابراین، نمی‌توان برای آن بدلی در نظر گرفت. در این موارد، بازگرداندن زیان دیده به وضعیت نخست، یعنی جایی که از اساس، زیانی پدید نیامده، شدنی نیست اما باید تلاش کرد تا زیان دیده به نزدیک‌ترین موقعیتی که پیش از ورود زیان داشته، بازگردد. برای تحقق این هدف، در رویه قضایی ایران، از دور روش، بیشتر استفاده می‌شود: یکی روش غیر مالی و مشخصاً عذرخواهی و دیگری، روش مالی و پرداخت پول. در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر امکان استفاده از این دور روش تأکید شده است. البته این تأکید مانع استفاده از سایر روش‌های جبران خسارت نیست. بنابراین با توجه به مبانی نظری جبران خسارت معنوی، نظیر تسلی خاطر زیان دیده و تأمین آرامش و خرسندی نسبی او روش‌های غیر مالی و مالی در جبران این خسارات مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲-۱. روش‌های غیر مالی

از مهم‌ترین مصادیق جبران غیر مالی خسارت معنوی، الزام عامل زیان به عذرخواهی است تا از این طریق زیان دیده تا حدی آرامش پیدا کند. الزام عامل زیان به عذرخواهی در نظام حقوقی ایران، در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است. (اکبری آرائی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۱) در رویه قضایی نیز، از این روش، استفاده می‌شود. برای نمونه، در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۹۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۶ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، از الزام به عذرخواهی و درج در روزنامه به‌عنوان شیوه جبران خسارت معنوی استفاده کرده است. بر اساس بخش‌هایی از این رأی، «... تجدیدنظر خوانده برای صدور حکم طلاق مدارکی به ظاهر منتسب به وزارت اطلاعات که دلالت بر سابقه محکومیت وی دارد ارائه نموده در حالی که مدارک مزبور

میعول بوده... و با ارایه این اسناد لطمات جبران ناپذیری به حیثیت شغلی و شخصی و خانوادگی وی وارد نموده... با احراز تقصیر تجدیدنظر خوانده در ورود ضرر معنوی به تجدیدنظر خواه... به تجویز... مواد ۱ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی حکم به الزام تجدیدنظر خوانده نسبت به عذرخواهی از تجدیدنظر خواه از طریق درج در روزنامه‌های کثیرالانتشار صادر و اعلام می‌نماید...».

در پرونده‌ای دیگر، خواهان در آزمون دوره دستگیری رشته تخصصی ارتودنسی در سال ۱۳۷۳ شرکت کرده و شرایط لازم برای قبولی در این آزمون را به دست آورده، اما خوانده یعنی وزارت بهداشت، از پذیرش وی خودداری کرده است، سرانجام پس از نه سال، با پیگیری‌های انجام گرفته و با اخذ حکم از دیوان عدالت اداری، برای تحصیل به دانشگاه شهید بهشتی معرفی می‌شود. خواهان بر این باور است که خوانده موجب تضییع حقوق وی شده است. برای همین، الزام وزارت بهداشت به جبران کلیه خسارات مادی و معنوی را خواستار می‌شود. در دادنامه شماره ۸۹۰۰۲۰۰ به تاریخ ۸۹/۳/۱۸ صادره از سوی شعبه ۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران مندرج در پرونده کلاسه ۳۲۶/۲۹/۸۸ چنین آمده است: «... در خصوص خسارت معنوی مورد مطالبه خواهان دادگاه توجهاً به اینکه قصور خوانده در عدم پذیرش خواهان در دوره دستگیری بر اساس دادنامه صادره از سوی شعبه سوم دیوان عدالت اداری محرز و مسلم بوده که این عدم پذیرش خواهان در طول مدت ۹ سال یقیناً موجبات ورود تالمات روحی را برای نامبرده فراهم نموده لذا این دادگاه با احراز ورود خسارت معنوی به خواهان از این حیث مستنداً به مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون مسوولیت مدنی حکم بر الزام خوانده به عذرخواهی از نامبرده با درج در یکی از جراید کثیرالانتشار صادر و اعلام می‌نماید...».

در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۶۱۰۰۷۳۶ صادره از سوی شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران مندرج در پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۰۲۲۶۱۰۰۸۱۳ نیز، اگرچه دادگاه به عذرخواهی به‌عنوان یکی از روش‌های جبران زیان معنوی چشم داشته اما از آن استفاده نمی‌کند. در بخشی از این دادنامه، چنین می‌خوانیم: «در خصوص دادخواست آقای... به طرفیت ۱- وزارت بهداشت... به خواسته الزام خوانندگان به جبران خسارت مادی و معنوی... عیب و نقص وسایل و تجهیزات ابزار اداری دولت... محرز است... دادگاه... در خصوص خواسته خواهان مبنی بر عذرخواهی رسمی در جراید... با بررسی اوراق پرونده و مفاد ماده ۱۰ از قانون مسوولیت مدنی نظر به اینکه از صراحت ماده قانونی استنباط می‌شود که این امر به‌طور اختیاری به دادگاه تجویز شده است که با در نظر گرفتن کلیه شرایط، حکم به عذرخواهی رسمی در جراید صادر نمایند. بنابراین، دادگاه با توجه به مجموع اوضاع و احوال دعوی خواهان را در این قسمت غیر وارد تشخیص

و... حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می نماید...». این تفسیر نمی تواند نادرست باشد؛ زیرا به روشنی در ماده ۱۰ آمده است: «... هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». بدین ترتیب، صدور حکم برای عذر خواهی مشروط به اهمیت زیان و نوع تقصیر است. در نتیجه، اختیار دادرس برای حکم یاد شده، صلاح دیدی است. این تفسیر درست و با ظاهر ماده سازگار است، اما استفاده دادرس از این اختیار به ناروا انجام گرفته، حق این بود که دادرس با ذکر توجیه و دلیل منطقی و با استناد به اهمیت و نوع تقصیر، دلیل عدم استفاده از روش یاد شده را بیان می کرد. برای نمونه، در تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۲۰۶۴۱۰۰۰۱ شعبه اول کمیسیون جبران خسارات استان مازندران، با استدلال تلاش شده لزوم عذر خواهی از زیان دیده، توجیه شود. در این تصمیم که خواسته آن، جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از بازداشت بی جهت متهم به مدت ۲۴۷ روز بوده، چنین آمده است: «... به جهت وجود شرایط مورد نظر در درخواست از جمله صدور حکم برائت آقای... از اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر و گواهی قطعیت آن... نظر به این که متهم (متقاضی فعلی آقای...) از تاریخ ۹۴/۷/۴ تا ۹۵/۳/۸ در بازداشت به سر می برد و از طرفی، نظر به این که آزادی به عنوان یک ودیعه الهی و والاترین ارزش در جامعه می باشد که با توجه به اصل ۳۷ قانون اساسی که می بایست این اصل نصب العین قوای حاکمیتی به ویژه قضات دادگستری باشد از اصول پذیرفته شده در قانون اساسی است بنابراین تعرض به این آزادی آن هم از ساختمان حقوقی جامعه که اعتماد عمومی بر آن است نباید در قالب صرف تاسف بسنده گردد بلکه شایسته است جبران این خسارت فراهم گردد. خوشبختانه جبران خسارات ناشی از بازداشت بی جهت در قوانین ملی و اسناد فراملی پیش بینی شده است. به گونه ای که قانون اساسی که در رأس هرم قوانین داخلی و به عنوان پاسدار و نگهبان آزادی های فردی است در اصل ۱۷۱ به آن اشاره کرده است. البته در قوانین داخلی از جمله در قانون مسئولیت مدنی و قوانین ماهوی دیگر به این مهم پرداخته شده است. لیکن در مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ قانون گذار به صورت ضابطه مند و با ساختار تعریف شده و شیوه اجرای آن نیز در آیین نامه مورخ ۹۵/۱۰/۴ تصریح گردیده است. البته در اسناد فراملی از جمله بند ۵ ماده ۹ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ که مقنن ایرانی متعاقباً در راستای ماده ۹ از قانون مدنی آن را تصویب و اکنون در حکم قانون محسوب می گردد و پاراگراف یکم از اعلامیه سازمان ملل درباره اصول بنیادی دادگری برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت... به این مهم اشاره شده است. مع الوصف اعضای کمیسیون با عنایت به صدور حکم برائت به شماره... از سوی

شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان ساری و قطعیت آنکه حاکی از بی‌گناهی متقاضی یادشده دارد و نظریه کارشناس رسمی دادگستری که مصون از اعتراض باقی مانده است مستنداً به مواد ۲۵۵ با لحاظ ماده ۱۴، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹ و ۲۶۰ از قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴... پیرامون خسارت معنوی (کسر حیثیت و اعتبار) به درج حکم اعتذار در جرائد کثیرالانتشار صادر و اعلام می‌گردد...» (برای بررسی تطبیقی نحوه جبران خسارات واردشده به محکومان بی‌گناه، ر.ک: یوسفیان‌شوره‌دلی و رسولی‌آستانی، ۱۳۹۲)

به‌هرروی، پرسش جدی این است که آیا عذرخواهی روش مناسبی برای جبران همه زیان‌های معنوی است یا خیر. برای نمونه، در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۴۳۵۰۱۰۲۰ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۷ صادره از شعبه ۲۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران چنین می‌خوانیم: «در خصوص دادخواست... به طرفیت شرکت هواپیمایی... به خواسته مطالبه خسارت مادی و معنوی ناشی از لغو پرواز بدین توضیح مختصر که ایشان در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۴ بلیط رفت و برگشت از ارومیه به مقصد استانبول تهیه می‌نمایند... لیکن پس از مراجعه به فرودگاه استانبول با پرواز کنسل شده مواجه می‌گردد و تماس‌های وی با شرکت خواننده جهت تعیین تکلیف وی بلانتیجه می‌ماند و از آن‌جا که ارزش مفکمی به همراه ندارد نمی‌تواند از شرکت‌های هواپیمایی آن شهر بلیط برگشت تهیه نماید و التماس‌های وی که استاد دانشگاه می‌باشد مؤثر واقع نمی‌گردد تا این‌که فردی ایرانی به وی مبلغی قرض و نهایتاً با عزیمت به تبریز و از آن‌جا به ارومیه به منزل خویش می‌رسند... آنچه دادگاه را در پرونده حاضر به پذیرش ادعای خواهان مجاب‌نموده است نه صرفاً نفس خلف وعده شرکت خواننده در لغوشدن پرواز می‌باشد بلکه بیشتر بی‌اهمیتی به وضعیت مسافری می‌باشد که در کشوری دیگر رهانموده است و اندیشه‌ای در ذهن خود نمی‌پروراند که چگونه وی را به وطن خویش بازگرداند... تا جایی که فردی که از جمله اساتید دانشگاهی و از نخبگان این میهن می‌باشد برای رفع نیازهای خود و بازگشت به وطن مجبور گردد در مقابل هر فردی دست‌کمک دراز نماید و در مقابل بیگانگان این‌السبب گردد و شخصیت اجتماعی خویش را در پس نگاه‌های تحقیرآمیز دیگران خردشده ببیند لذا این دادگاه... شرکت خواننده را به عذرخواهی رسمی در یکی از جراید کثیرالانتشار مکلف می‌نماید...». در این رأی دغدغه قاضی نسبت به رعایت حرمت شخصیت افراد و شان ایشان قابل‌تقدیر است. این‌که به ویژگی‌های شخصی و مالی زیان‌دیده، شرایط وقوع زیان که در یک کشور خارجی و نه مثلاً در یکی از شهرهای کشور است و نیز به بی‌توجهی و بی‌تفاوتی خواننده به اوضاعی که ممکن است برای افراد اتفاق افتد، توجه شده، سبب می‌شود رأی صادره با «اوضاع و احوال قضیه» سازگارتر باشد. با این حال، به نظر می‌رسد شیوه‌ای که برای جبران در نظر گرفته شده، چندان مناسب نیست. در حقیقت،

صرف عذرخواهی نمی‌تواند آسیبی که به آرامش روحی خواهان رسیده را جبران کند. در این موارد و نیز، در مواردی که عذرخواهی و به‌طور خاص، انتشار آن در جراید، سبب آگاهی عموم مردم از ماجرا می‌شود و مصلحت زیان‌دیده در عدم آگاهی عموم مردم از اتفاق رخ داده است، دادگاه نباید از این روش استفاده کند. در این فرض‌ها، به‌نظر می‌رسد با استفاده از روش‌های دیگر مانند پرداخت پول، بهتر می‌توان زیان‌دیده را تسکین داد.

با این حال، در فرضی که پرواز، داخلی باشد، به نظر می‌رسد صرف عذرخواهی بتواند روش مؤثری باشد، چنان‌که شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی مشهد در پرونده‌ای به خواسته مطالبه خسارت ناشی از تأخیر در پرواز داخلی، در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۷۵۷۶۱۰۱۳۷۶ از همین روش استفاده کرده و به شرح ذیل رأی داده است: «... خواهان اعلام داشته که وی در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۵ مسافر پرواز شماره ۱۱۱۷ شرکت خوانده از مبدا تهران به مقصد مشهد بوده که به علت تأخیر در پرواز که می‌بایست در ساعت ۱۵:۳۵ صورت می‌پذیرفت با پنج ساعت و نیم تأخیر در ساعت ۲۱ شب... به مقصد رسیده که در نتیجه وقت مسافران بی‌جهت هدر شده... لذا دادگاه نظر به مراتب فوق با احراز تأخیر در پرواز هواپیمای... حکم به الزام شرکت هواپیمایی... به عذرخواهی از خواهان... در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار هم‌زمان با درج حکم در آن روزنامه صادر و اعلام می‌نماید...»

به هر روی، باید توجه داشت که فقط الزام به عذرخواهی راهکار اعاده زیان‌دیده به وضع سابق نیست، می‌توان از طرق دیگر خرسندی از دست‌رفته زیان‌دیده را به او بازگرداند. برای مثال در مورد خواننده‌ای که علی‌رغم قوانین حقوق رقابت به قصد اضرار اقداماتی علیه رقبای تجاری خود انجام داده و از این طریق به ایشان ضرر معنوی وارد کرده است، انتشار حکم محکومیت وی می‌تواند آرامش از دست‌دفته و حتی اعتبار کاسته‌شده زیان‌دیده را بازگرداند (بادینی، ۱۳۹۱: ۶۲). همین امر در مورد انتشار حکم برائت نیز جاری است؛ انتشار حکم برائت مجرم پس از محکومیت بیانگر بی‌گناهی اوست و انتشار این حکم تا حد زیادی برای زیان‌دیده اثرگذار خواهد بود. البته این امر مانع مسئولیت دولت در خصوص خطای نظام قضایی در این‌باره نخواهد بود. (قربان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۸۰) همچنین این امر، در حالتی که متهم به جرم بازداشت می‌شود اما جرم او اثبات نمی‌شود یا قرار منع تعقیب صادر می‌شود، قابل استفاده است.

به‌هر حال باید بدانیم در عرصه جبران خسارت‌های معنوی شکل جبران اساساً موضوعیت ندارد؛ در حقیقت روش‌هایی که به بهترین نحو ممکن است زیان را برطرف نمایند باید به کار گرفته شوند. اشکال مذکور مثال‌های رایجی در این موضوع است، با این حال راه برای استفاده از سایر روش‌ها بسته نیست. بنابراین در هر پرونده با توجه به اوضاع و احوال قاضی می‌تواند روش مناسبی برگزیند.

مثلاً اعلام نام عامل زیان در رسانه‌ها (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷: ۵۸)، حکم به پرداخت تمام هزینه‌های درمان در اختلالات روانی، حکم به ایجاد تفریح خاصی برای زیان‌دیده، حکم به ضرورت کمک فاعل زیان به زیان‌دیده برای مدتی و... همه از روش‌های غیرپولی جبران خسارت معنوی محسوب می‌شوند. با این حال، بیشترین استفاده رویه قضایی از روش عذرخواهی است و از سایر طرق کمتر استفاده می‌شود.

نکته دیگر آن است که در همه مواردی که جبران زیان از طریق غیرمالی صورت می‌گیرد، در صورت ضرورت و عدم جبران کامل زیان، امکان بهره‌گیری از روش پولی نیز وجود دارد. بنابراین از روش پرداخت پول به‌طور مستقل یا مکمل روش‌های غیرپولی می‌توان بهره‌برد.

۲-۲. پرداخت پول

روش‌های غیرمالی همیشه مؤثر نیستند، گاهی باید کاری کرد تا زیان‌دیده از طریق به‌دست آوردن معادل تا حدی آرامش و شادی از دست داده را بازیابد. برای مثال خسارت معنوی قهرمان ورزشی که ماه‌هاست در تلاش است تا در یک مسابقه بین‌المللی شرکت کند و در اثر عمل عامل زیان این فرصت را از دست می‌دهد، یا خسارت روحی مسافری که لحظات کشنده قبل از سقوط را تجربه کرده و در نهایت از مرگ نجات پیدا می‌کند، به معنای واقعی کلمه قابل جبران نیست اما پرداخت مبلغی پول می‌تواند زیان‌دیده را آرام‌تر کند (اصغریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۲۰).

بنابراین برخی از دادگاه‌ها تلاش می‌کنند تا با الزام عامل زیان به پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده، زیان معنوی او را جبران کنند. با این حال، پرسش جدی اینجاست که چگونه می‌توان زیان وارده را با پول ارزیابی کرد؟ برخی از دادگاه‌ها با استناد به کنوانسیون‌های بین‌المللی، زیان وارده را ارزیابی می‌کنند. برای نمونه، شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی تهران در دادنامه شماره ۸۸۰. ۶۱۷ به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۴ در پرونده کلاسه ۸۸۰۹۹. ۱۸۲ در خصوص مطالبه خسارت ناشی از تأخیر در پرواز تهران - مشهد، پس از بیان لزوم اجرای تعهد در موقع تعیین شده، چنین تصمیم گرفت: «... در صورت عدم انجام تعهد، متضرر در صورت اثبات تقصیر شخص متعهد و رابطه علیت متعارف بین فعل زیان‌دیده و شخص مقصر، حق مطالبه خسارت وارده را دارد... دادگاه با عنایت به اینکه خواهان‌ها شخصاً... خسارت معنوی را با لحاظ پروتکل گواتمالا هر یک را مبلغ بیست و دو میلیون ریال و فرزندشان را مبلغ پنج میلیون ریال اعلام کردند با توجه به وضعیت شغلی و اعتبار کاری خواهان‌ها و درآمد ماهانه ایشان ادعای آن‌ها را محمول بر صحت تشخیص و... حکم بر محکومیت شرکت خوانده به پرداخت... ۴۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت خسارت معنوی... صادر و اعلام می‌دارد».

پس از تجدیدنظرخواهی، شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۷۶۸. ۹۱ به

تاریخ ۱۳۹۱/۸/۱۷ عیناً دادنامه شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی را تأیید می‌نماید. در این پرونده، خواهان، خسارت معنوی خویش را با استفاده از ماده ۸ پروتکل گواتمالا که مسئولیت تأخیر در حمل و نقل را یک میلیون و پانصد هزار فرانک تعیین کرده، خواسته است. دادگاه اما به استناد همین پروتکل، خسارت معنوی هر یک از خواهان‌ها را مبلغ بیست و دو میلیون ریال و فرزندشان را مبلغ پنج میلیون ریال اعلام کرد. در نخستین نگاه، ممکن است استناد به پروتکل یادشده درست دانسته شود؛ چه ایران با تصویب «قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به کنوانسیون ۱۲ اکتبر ۱۹۲۹ ورشو و پروتکل ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۵ لاهه و کنوانسیون ۱۸ سپتامبر ۱۹۶۱ گوادالاخارا و پروتکل ۸ مارس ۱۹۷۱ گواتمالا» توسط مجلس شورای ملی در ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ و تصویب مجلس سنا در ۱۳۵۴/۲/۳۱ به پروتکل یادشده پیوسته است، اما باید به این نکته توجه داشت که پروتکل ۸ مارس ۱۹۷۱ گواتمالا، شرایط ویژه‌ای برای لازم‌الاجرا شدن داشته است که هیچ‌گاه این شرایط محقق نشده است (جباری، ۱۳۸۸: ۵۰). برای همین استناد به آن نمی‌تواند درست باشد. همچنین، پروتکل یادشده، اصلاحیه‌ای به کنوانسیون ۱۲ اکتبر ۱۹۲۹ ورشو، «مربوط به یکسان کردن برخی از مقررات حمل و نقل هوایی بین‌المللی» است؛ به موجب بند یک ماده نخست کنوانسیون پیش‌گفته نیز، «این کنوانسیون در مورد هر نوع حمل و نقل بین‌المللی اشخاص و لوازم یا کالا... اجرا می‌شود». بدین ترتیب، و از آنجا که حمل و نقل موضوع این پرونده، داخلی است، روشن است که کنوانسیون و پروتکل اصلاحی آن نمی‌تواند در پرونده پیش‌رو مورد استناد قرارگیرد (برای تحلیل بیشتر، ر.ک: میرشکاری، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

برخی دیگر، تلاش می‌کنند از اختیار صلاح‌دیدنی خویش استفاده کرده و خسارت را به میزانی که تشخیص می‌دهند، قابل جبران بدانند. برای نمونه، مادری باردار برای تشخیص ابتلا یا عدم ابتلای جنین به بیماری هموفیلی به آزمایشگاهی خصوصی مراجعه می‌کند. آزمایشگاه، جنین را سالم توصیف می‌کند این در حالی است که اندکی پس از تولد، ابتلای نوزاد به بیماری هموفیلی محرز می‌شود. با طرح دعوا از سوی والدین کودک علیه آزمایشگاه، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۶۱۰۰۲۹ به تاریخ ۱۳۹۱/۱/۷ از سوی شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران مندرج در پرونده کلاسه ۸۷۰۹۹۸۰۲۲۶۱۰۱۲۹۷ چنین صادر می‌شود: «... آقای دکتر س. ز. در تشخیص بیماری هموفیلی آقای محمدمهدی دچار اشتباه تشخیص گردیده است و اشکال تشخیصی ایشان منجر به تولد نوزادی با بیماری هموفیلی B شده است... در خصوص مطالبه خسارت معنوی نظر به اینکه بدون هیچ گونه تردیدی مبتلا شدن خواهان به بیماری نارسایی خونی باعث ورود صدمات روحی و روانی شدید به خواهان شده است... دادگاه به استناد مواد ۲۱ و قانون مسولیت مدنی خوانده

را به پرداخت پنج درصد دیه کامل مرد مسلمان بابت خسارات معنوی محکوم و اعلام می‌دارد». اگرچه اصل صدور حکم به لزوم جبران زیان معنوی درست است اما دادرس محترم، هیچ معیاری برای تعیین پنج درصد دیه کامل بابت خسارت معنوی ارائه نمی‌دهد. در واقع، دادگاه، هیچ دلیلی ارائه نمی‌کند که چرا و چگونه خسارت معنوی خواهان را به این اندازه برآورد می‌کند. این روش در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۸۷۱۲۶۰۰۸۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۰ موضوع پرونده شماره ۹۴۰۶۶۶ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی سنندج نیز دیده می‌شود: «... خواهان اظهار داشته است: اینجانب در سمت مدیرعامل شرکت... تسهیلاتی را از بانک... در سال ۱۳۶۸ دریافت نمودم که اصل و سود آن در سال ۱۳۹۲ بازپرداخت شد... بانک برخلاف قانون و موازین شرع... مبادرت به اعلام نام اینجانب به‌عنوان تسهیلات مشکوک‌الوصول نموده و این امر سبب کسر حیثیت و اعتبار تجاری اینجانب از سال ۱۳۹۲ به بعد شده است... با عنایت به مراتب فوق... با توجه به شخصیت خواهان به‌عنوان فعال تجاری و عضو هیئت مدیره اتحادیه تعاونی‌های... کشور، لطمات وارده به اعتبار شخصی و اجتماعی ناشی از اقدام بانک خوانده عرفاً غیرقابل انکار است؛ لذا در نظر این دادگاه وقوع زیان معنوی محرز است... در این راستا... اولاً تعیین نحوه جبران زیان معنوی بسته به تشخیص قضایی دادگاه دارد و ثانیاً تقویم زیان معنوی به پول رایج هم خالی از اشکال بوده چراکه ساده‌ترین و معمول‌ترین شکل ترمیم و جبران این نوع زیان تلقی شده و معمول دادگاه‌ها هم همین است و با وضعیت خواننده دعوا که مؤسسه اعتباری است مطابقت و هم‌خوانی دارد. بنا به جمیع جهات حکمی و موضوعی فوق... حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال، زیان‌های معنوی وارده به خواننده و الغاء تصمیم مبنی بر درج نام خواهان در ردیف دارندگان تسهیلات مشکوک‌الوصول در سیستم بانکی کشور... صادر و اعلام می‌گردد...» چنان‌که ملاحظه می‌گردد در این حکم، با حذف اسم خواهان از ردیف دارندگان تسهیلات، منبع ضرر از بین برده می‌شود و از این حیث او در موقعیت قبل قرار می‌گیرد، بابت خسارت معنوی وارده نیز، دادگاه روش مالی را انتخاب می‌کند، با این حال، در ارزیابی این خسارت به پول، صرفاً به اختیار دادگاه و نه عوامل مشخص اشاره می‌کند.

در پرونده دیگری، وکیلی از سوی خواهان دادخواستی به خواسته تقاضای صدور حکم مبنی بر مطالبه خسارت مادی و معنوی وارده به دلیل از بین بردن فیلم و عکس جشن عروسی ارائه داده و در شرح آن چنین می‌نویسد: «موکل، خواهان فوق‌الذکر در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۹ جشن عروسی خود را برگزار می‌نماید و از خواننده محترم به‌عنوان فیلم‌بردار و عکاس می‌خواهد که کارهای مربوط به فیلم‌برداری و عکاسی از مجلس ایشان را برعهده بگیرند... اما متأسفانه خواننده محترم با انجام

اقدامات غیر حرفه‌ای باعث از بین رفتن فیلم‌ها و عکس‌های متعلق به خواننده شده...». دادگاه بخش لاران در دادنامه شماره ۲۰۰۶۲۹ به تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۵ به شرح زیر اقدام به صدور رأی می‌نماید: «خواننده با حضور در جلسه اول رسیدگی اقرار نموده است که قصور و بی‌احتیاطی ایشان منجر به از بین رفتن فیلم عروسی شده است... علی‌هذا دادگاه بنابر مراتب مطروح و با احراز ارکان مسئولیت مدنی و اینکه بر اساس مقررات قانون مسئولیت مدنی، خسارت معنوی در کنار خسارت مادی قابل جبران می‌باشد و شکل و شیوه جبران خسارت به اختیار دادگاه می‌باشد، مستنداً به مواد ۱، ۲ و ۳ از قانون مسئولیت مدنی حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت مادی و نیز ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت معنوی وارده به ایشان صادر و اعلام می‌نماید...». این رأی عیناً توسط شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری طی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۳۸۱۴۷۰۰۰۷۶ به تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۹ تایید می‌شود. در پرونده مشابهی، شعبه ۱۲ دادگاه عمومی اصفهان در دادنامه به تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۸، پس از بیان لزوم جبران زیان معنوی چنین تصمیم می‌گیرد: «... این دادگاه جهت جبران این خسارت موضوع را به کارشناس ارجاع کرد تا کارشناس بررسی کند اگر زوجین تمایل داشته باشند زمینه‌ای فراهم کنند تا مجدداً با تهیه مقدماتی، مشابه عکس و فیلم‌های مراسم عروسی، از خود عکس و فیلم تهیه کنند، چه میزان هزینه صرف می‌شود تا بتوان موجب خشنودی زیان‌دیدگان را فراهم آورد، کارشناس جمع هزینه مربوط به تجدید مراسم جهت فیلم‌برداری و عکس‌برداری شامل... را جمعاً... ریال برآورد کرده است... در خصوص خواسته خواهان‌ها مبنی بر خسارت معنوی خواسته خواهان‌ها را ثابت تشخیص و مستنداً به مواد ۱ و ۲ و ۳ ق.م.م. و ماده ۱۴ ق آذک حکم به الزام خواننده جمعاً... به پرداخت ۲۰۹۰۰۰۰۰ ریال به‌عنوان اصل خواسته... صادر و اعلام می‌نماید...».

در پرونده نخست، دادرس پس از بیان اینکه «هزینه انجام عمل فیلم‌برداری ۶۰۰ هزار تومان می‌شود»، حکم به محکومیت خواننده به «پرداخت مبلغ ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت مادی و نیز ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت معنوی وارده به ایشان صادر و اعلام می‌نماید...». دادرس محترم، اگرچه نمی‌گوید اما بنا به ظاهر، اعتقاد دارد که خسارت معنوی خواهان، اگر بیش از خسارت مادی وی نباشد، کمتر نیست. برای همین، برای هر دو، مبلغی یکسان در نظر می‌گیرد، با این حال، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این روش، حقیقت این است که مبلغ منظور شده به‌عنوان خسارت مادی، اجرت عمل خواننده است که ناروا و بی‌آنکه به تعهد خویش عمل کند، در تصرف خویش نگاه داشته است، بنابراین، تردیدی در لزوم استرداد آن نیست. به همین دلیل، تلقی آن به‌عنوان خسارت، قابل توجیه نیست. با توجه به این سخن، ادامه مسیر دادگاه در خصوص خسارت معنوی

نیز، نادرست خواهد بود، زیرا برای محاسبه خسارت معنوی، به معیاری تکیه کرده که از اساس، نادرست است. در پرونده دوم، دادرس، خواننده را به پرداخت هزینه‌های لازم برای تجدید مراسم محکوم می‌کند تا «اگر زوجین تمایل داشته باشند زمینه‌ای فراهم کنند تا مجدداً با تهیه مقدماتی، مشابه عکس و فیلم‌های مراسم عروسی از خود عکس و فیلم تهیه کنند». این تصمیم، قابل توجیه است، زیرا در مرحله جبران زیان، عادلانه‌ترین راه این است که قاضی روشی که بیشترین هماهنگی را با وضعیت طرفین پرونده دارد، در نظر بگیرد. چنین اختیاری بر اساس ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به قاضی داده شده است: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد».

برخی دیگر از دادگاه‌ها، از روش پرداخت نمادین استفاده می‌کنند. در دادنامه شماره ۴۴۲ به تاریخ ۱۳۸۵/۵/۳۰ صادره از سوی شعبه ۳۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران (مندرج در کلاسه پرونده ۱۵۰/۳۹/۸۴) چنین می‌خوانیم: «... یک محکومیت حتی نمادین به جبران خسارت معنوی به خودی خود نشان‌دهنده اهمیت خسارات معنوی و ذی‌حق بودن خواهان و رد اتهام بی‌اعتنایی نظام حقوقی به این نوع خسارت است و به علاوه، صرف این محکومیت نمادین موجب تسکین آلام زیان‌دیده خواهد بود... بنا به مراتب فوق، خواننده را به پرداخت... یک ریال به‌عنوان خسارت معنوی ناشی از لطمه به حیثیت خواهان در اثر فریب در ازدواج... در حق خواهان محکوم می‌نماید...».

بخش شگفت‌آور رأی جایی است که دادرس عامل زیان را به «پرداخت یک ریال» محکوم می‌کند. با توجه به این بخش، این پرسش جای طرح دارد که مبنای دادرس در صدور چنین حکمی چیست؟ پاسخ به این پرسش در بخشی از رأی مورد بحث با عبارت «یک محکومیت حتی نمادین به جبران خسارت معنوی...» داده شده است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد دادرس قصد داشته تا عامل زیان را به‌صورت نمادین محکوم کند، اما خسارت نمادین یا اسمی چیست؟ در حقوق انگلستان، «در مواردی که یکی از طرفین قرارداد را نقض کرده اما در عمل خسارتی متوجه طرف مقابل نشده باشد، مبلغ بسیار ناچیزی به‌صورت نمادین به‌عنوان خسارت تعیین می‌شود و مورد حکم قرار می‌گیرد. تعیین این نوع خسارت، برای جبران ضرر از زیان‌دیده نیست، بلکه برای انعکاس قبح نقض قرارداد است و جنبه نمادین دارد» (حسینی مدرس و گلشنی، ۱۳۹۲: ۲۷). این در حالی است که با توجه به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مبنی بر لزوم وقوع ضرر برای تحقق مسئولیت مدنی، بدون وجود زیان، فرض مسئولیت دوراز ذهن است، به علاوه، استفاده از خسارت نمادین، زمانی پذیرفتنی است که زیان چندانی به اشخاص وارد نشده باشد، در این موارد، تنها با هدف بازدارندگی و برای آنکه از زشتی رفتار عامل زیان کاسته نشود، وی به پرداخت مبلغی محکوم می‌شود اما در

پرونده پیش‌رو، با توجه به فریب خواهان توسط خواننده، تصور عدم ورود زیان دشوار است. برای همین، پناه بردن دادرس به خسارت نمادین به نظر اشتباه می‌رسد.

با این حال استفاده از روش‌های غیرترمیمی جبران خسارت نظیر خسارت نمادین یا خسارت تنبیهی می‌تواند در خساراتی نظیر خسارت وارد به حقوق شخصیت به‌ویژه از طریق مطبوعات بیشتر مثمرتر باشد و ضمن جبران خسارت زیان‌دیده در بازدارندگی نیز مؤثر خواهد بود. (صادقی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۴۲) البته استفاده از این روش منوط به پذیرش آن توسط قانون‌گذار است.

چنان‌که از نظر گذشت در نظام حقوقی ایران نیز روش‌های متعددی استفاده می‌شود تا زیان معنوی بدون جبران باقی نماند. گرچه عمده راه‌حل‌ها حول الزام به عذرخواهی و جبران مالی است اما روش کار قضات نشان می‌دهد هدف، تلاش برای جبران زیان معنوی است و این همان فلسفه جبران در خسارات معنوی است. بنابراین در ارائه روش برای جبران زیان‌های معنوی دو نکته نباید از نظر دور بماند؛ نخست آنکه در جبران زیان معنوی هدف ترمیم نیست، بلکه تسکین خاطر است و از این‌رو در انتخاب روش، این امر باید مد نظر باشد. دوم آنکه تعیین روش جبران بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصی زیان‌دیده، عرف حاکم بر جامعه و شرایط موجود ممکن نیست.

بنابر آنچه مطرح شد پیشنهاد می‌شود قضات از اختیار ارائه‌شده در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی بهره برده و در شخصی شدن میزان خسارت استفاده کنند. برای مثال اگر واقعاً عذرخواهی می‌تواند زیان‌دیده را آرام کند از این روش و اگر محکومیت خواننده یا انتشار حکم محکومیت او ممکن است چنین تأثیری داشته باشد از همان استفاده شود. ممکن است این روش‌ها در کنار الزام خواننده به پرداخت مبلغی وجه یا انجام عملی معین کارگر افتد.

البته طبقه‌بندی خسارات معنوی اگر امکان در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصی برای خسارت‌های شدید باشد روش مناسبی است، اما نیازمند تهیه فهرستی از صدمات معنوی و تعیین طبقات متناسب با آن است. به‌علاوه در نظر گرفتن سقف پرداخت برای تقویم خسارات معنوی در پیشگیری از رقم‌های هنگفت مؤثر خواهد بود. البته اقداماتی از این دست نیازمند وضع قانون است.

نتیجه

این مقاله، در پی پاسخ به دو پرسش بود: نخست اینکه آیا زیان معنوی، قابل جبران است یا خیر. ابتدا، تلاش شد تا پاسخ این پرسش، در نظام حقوقی آمریکا داده شود. دیدیم که در این نظام حقوقی، اگرچه ابتدا، به دلیل غیرمادی بودن این نوع زیان و ترس از اغراق زیان‌دیده یا تمارض او و عدم امکان ارزیابی این نوع از زیان رویه قضایی، آن را قابل جبران نمی‌دانست، اما در حرکتی آرام و تدریجی، به سمت پذیرش جبران زیان معنوی قدم برداشته شد. در نظام قانون‌گذاری ایران نیز، اگرچه رویکرد

قانون مدنی، بر تغافل از زیان معنوی استوار بود اما در قوانین بعدی تلاش شد زیان معنوی به رسمیت شناخته شده و قابلیت جبران آن پذیرفته شد. رویکردی که پس از انقلاب اسلامی نیز، در قانون اساسی ادامه یافت تا اینکه با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۷۸، این نوع از زیان از فهرست زیان‌های قابل مطالبه حذف شد. با این حال، کمی بعدتر، در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و سپس، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار مجدداً زیان معنوی را به‌عنوان زیان قابل مطالبه شناخت. با توجه به همین تحولات تقنینی، رویه قضایی نیز، نتوانست موضع روشنی در این خصوص داشته باشد. در حالی که برخی از دادگاه‌ها، همچنان درصدد انکار زیان معنوی هستند، پاره‌ای دیگر تلاش می‌کنند به استناد نصوص شرعی و قانونی، زیان معنوی را به رسمیت بشناسند.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی انکار از سوی رویه قضایی، به این باز می‌گردد که پس از پذیرش امکان جبران زیان معنوی، باید به روش جبران آن اندیشید: برخلاف زیان‌های مالی، تدارک روشی قاطع و ثابت برای جبران زیان معنوی، شدنی نیست. با توجه به استقرای صورت گرفته در رویه قضایی، مشخص شد عمدتاً از دو روش عذرخواهی و پرداخت پول برای جبران استفاده می‌شود. درباره نخستین روش، باید به یاد داشت که عذرخواهی، نمی‌تواند همیشه سبب جبران و حتی تسکین خاطر زیان‌دیده بشود. این نکته در مورد استفاده از پول کمتر وارد است: گرچه با پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده، به‌طور کامل نمی‌توان حیثیت و اعتبار شخص زیان‌دیده را جبران کرد، با وجود این، دادن مبلغی پول به وی، می‌تواند تا اندازه‌ای باعث تسکین آلام روحی زیان‌دیده شده و به سازگاری او با شرایط جدید کمک کند. با این حال، دشواری اصلی از اینجا آغاز می‌شود که روش دقیقی برای تعیین میزان پولی که باید تعیین شود، وجود ندارد. در رویه قضایی، گاه از ارقام موجود در برخی از کنوانسیون‌ها و گاه از خسارت نمادین استفاده می‌شود، با این حال، عمدتاً دادگاه‌ها به اختیار خویش استناد کرده و اندازه غرامت را به صلاحدید خویش تعیین می‌کنند.

به هر روی، باید این نکته را در نظر داشت که در خسارات معنوی تعیین دقیق شیوه جبران نه ممکن و نه صحیح است، زیرا وقتی نمی‌توان تمام اقسام یا مصادیق چنین زیانی را تحدید کرد، چه‌طور می‌توان روش ارزیابی یکسان و معلومی را در نظر گرفت. به نظر می‌رسد درست‌ترین کار این باشد که اختیار تعیین روش به قاضی سپرده شود تا متناسب با «اوضاع و احوال قضیه»، «میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن» را تعیین کند، امکانی که در نظام حقوقی ما در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به قاضی داده شده است. با توجه به این اختیار، قاضی در هر پرونده و متناسب با اتفاق پیش‌آمده و زیان وارده، باید ببیند که زیان چگونه قابل جبران است؟ آیا با عذرخواهی خسارت

زیان دیده جبران می‌شود یا لازم است از آن فراتر رفت و حکم محکومیت عامل زیان یا تقصیر او را در جراید علنی نمود یا اینکه افزون بر این‌ها، باید عامل زیان را به پرداخت مبلغی پول در حق زیان دیده محکوم نمود؟

بدین ترتیب، در هر مورد دادگاه بر اساس اختیاری که ماده یادشده، به قاضی داده باید بهترین روش را اتخاذ کند. روشن است که در این مسیر قاضی باید برای تصمیم خود دلایل متقنی داشته باشد تا رأی‌اش با نقض مراجع عالی مواجه نشود. بنابراین در هر مورد باید ویژگی‌های شخصی زیان دیده، عامل زیان و متعارف جامعه در نظر گرفته شود. عواملی نظیر سن، جنسیت، وضعیت تأهل، موقعیت تحصیلی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی، وضعیت روحی پیش از زیان، امکانات، تفریحات، زندگی روزمره، مدتی که زیان دیده با آن خسارت درگیر است، فضای فرهنگی محل زندگی و... در تصمیم قاضی تأثیرگذار است. برای مثال نسبت ناروا دادن به دختری ۲۰ ساله که در شرف ازدواج است همان ضرر معنوی را وارد نمی‌کند که به زنی ۷۰ ساله این نسبت داده شود. ممکن است با انتشار حکم محکومیت عامل زیان، زن ۷۰ ساله آرامش نسبی بیابد، حال آنکه آن دختر جوان با وجود این اعلان نتواند موقعیت‌های قبل را داشته باشد و فرصت‌های مناسب ازدواج را برای همیشه از دست بدهد. از دست دادن اعتبار در بازار طبیعتاً همان قدر که یک تاجر سال خورده را می‌آزارد، یک نوجوان تازه وارد کار شده را متأثر نمی‌کند. از دست دادن فرزند برای والدین پیری که تنها همان یک فرزند را داشته‌اند همان قدر آزاردهنده نیست که برای والدین دارای چند فرزند و... به علاوه افراد در برابر صدمات یکسان عمل نمی‌کنند؛ برخی با صبر در برابر وقایع خیلی زود به موقعیت عادی برمی‌گردند در حالی که عده‌ای دیگر در همان حادثه به دارو و... متوسل می‌شوند و مدت‌ها زمان می‌برد تا بهبود یابند، برخی همراهی دوستان و خانواده‌شان به سازگاری ایشان با شرایط کمک می‌کند، در حالی که دیگران از آن محرومند. گاهی شرایطی پس از حادثه اتفاق می‌افتد که از بار زیان می‌کاهد مثلاً زن جوانی که همسرش را از دست داده اندکی پس از آن ازدواج مناسبی می‌کند و... در همه این مثال‌ها میزان زیان متفاوت است، پس باید نتیجه ارزیابی هم متفاوت باشد و به همین دلیل است که شیوه ارزیابی واحد و قاطع نیست. در هر مورد قاضی باید ببیند چه روشی بیشترین کارایی را دارد. بدیهی است در تمام مصادیق، معیار شخص متعارف است و بر اساس رفتار و انتظارات یک شخص متعارف البته در شرایط زیان دیده، ارزیابی صورت می‌گیرد.

منابع

فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۸۲)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ازدری، حسن، نجادعلی الماسی و ایرج پورعرفان (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی خسارت معنوی در حقوق ایران و مصر از منظر اخلاقی»، نشریه پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۳۳.
- اصغریان، مجتبی، حمیدرضا چاووشی و جمشید نورشرق (۱۳۹۹)، «رویه قضایی محاکم ایران در مورد صدمات روانی وارده بر مسافران هوایی و نحوه جبران آن»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، سال پنجاهم، شماره ۴.
- اکبری‌آزائی، منصور، رضا نیک‌خواه و سیامک جعفرزاده (۱۳۹۹)، «عذرخواهی به‌عنوان یکی از شیوه‌های جبران خسارت معنوی در مسئولیت مدنی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۹.
- آقابابا، زهرا (۱۳۹۷)، «بررسی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در ایران و حقوق نوین اروپا»، مطالعات حقوق، شماره ۱۹.
- بادینی، حسن (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴.
- بادینی، حسن و فاطمه‌سادات حسینی (۱۴۰۰)، «مطالعه تطبیقی ارزیابی خسارت لذات یا مطبوعیت زندگی در صدمات بدنی»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۱، شماره ۲.
- پرچمی، داوود و فاطمه درخشان (۱۳۹۷)، «بررسی مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۴۰.
- جباری، منصور (۱۳۸۸)، «مروری بر اسناد حاکم بر حقوق حمل‌ونقل بین‌المللی هوایی و سیر تحول آن»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۱، شماره ۲۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، دانشنامه حقوقی، جلد ۴، تهران: گنج دانش.
- حسینی مدرس، سیدمهدی و عصمت گلشنی (۱۳۹۲)، «طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان و طرح آن در حقوق ایران»، دانش حقوق مدنی، شماره ۲.
- حسینی، فاطمه‌السادات، محمود قیوم‌زاده و محمدرضا رهبرپور (۱۳۹۸)، «نگرش فقهی و حقوقی بر چالش مفهوم جبران مالی ضرر معنوی در محاکم قضایی»، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۳.
- داوودی، هما (۱۳۹۰)، «جبران مالی خسارت معنوی در طلاق ناشی از سوء رفتار»، نشریه فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۴.
- ربانی، مسعود (۱۳۹۹)، «ارزیابی ارزش‌گذاری و جبران پایاپای خسارات معنوی در تصمیمات قضایی»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲۵.
- شهری، غلامرضا و امیر حسین‌آبادی (۱۳۷۲)، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل مدنی از سال ۱۳۵۸ به بعد، نظریات اداره حقوقی از سال ۵۷ تا ۷۱، جلد ۱، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- صادقی‌مقدم، محمدحسن و جعفر نوری یوشانلوئی (۱۳۹۰)، «تحول مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه با

- تأکید بر شناسایی خسارات غیر ترمیمی»، فصل‌نامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
- صالحی، حمیدرضا، سیدمحمد رضوی، رسول رفیعی و یونس کاووسی (۱۳۹۹)، «جبران خسارت معنوی ناشی از معالجات پزشکی در حقوق ایران و آمریکا»، حقوق پزشکی، شماره ۵۳.
 - صفایی، سیدحسین و حانیه ذاکری‌نیا (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیرقراردادی»، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲.
 - صفری، ناهید و پرویز دهقانی (۱۳۹۸)، «هیئت منصفه در دعاوی حقوقی»، مطالعات حقوق معاصر، شماره ۱۸.
 - فصیحی‌زاده، علیرضا و سمیه سعیدی (۱۳۹۵)، «تحلیل انتقادی جایگاه دیه بر اساس ترتیب عقلانی روش‌های جبران خسارت»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۵.
 - قربان‌زاده، اسدالله، محسن رهامی و بهروز گلپایگانی (۱۳۹۹) «مفهوم و مبانی جبران خسارت از محکومان بی‌گناه با مطالعه تربیتی در نظام حقوقی ایران»، فصل‌نامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره سیزدهم، شماره ۴۷.
 - کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، مسوولیت مدنی، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - کوشش‌کار، ریحانه و وحید قاسمی‌عهد (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، نشریه دانش حقوق مدنی، شماره ۱۵.
 - مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۶)، حقوق اساسی، تهران: سروش.
 - مرادزاده، حسن و فهیمه‌سادات رضوی (۱۳۹۵)، «شیوه‌های جبران خسارت معنوی در زندگی مشترک زوجین»، نشریه فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۴.
 - میرزایی‌گرمی، احمد، علیرضا لطفی‌دودران و مظفر باشکوه (۱۳۹۹)؛ «مطالعه تطبیقی مبانی نظری، اهداف و شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در حقوق موضوعه ایران، فرانسه و انگلستان»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۳.
 - میرشکاری، عباس (۱۳۹۵)، رساله عملی در مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - میرشکاری، عباس (۱۳۹۳)، «نقد یک رای، در زمینه مطالبه زیان ناشی از تأخیر در پرواز»، فصلنامه فضاوت، شماره ۷۹.
 - نیک‌فرجام، زهره (۱۳۹۲)، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق»، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱۱.
 - یوسفیان‌شوره‌دلی، بهنام و لیلا رسولی‌آستانی (۱۳۹۲)، «نگرش تطبیقی به جبران خسارات واردشده بر محکومان بی‌گناه؛ از نظر تا واقعیت»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲.

لاتین

- Nolan, Virginia E. Ursin, Edmund., (1982), **Negligent Infliction of Emotional Distress: Coherence Emerging from Chaos**, 33 HASTINGS L.J. 583, 604
- Avraham, Ronen., (2015), **Estimating pain and suffering damages**. Paths are many, loss is one, Oxford university press.

- Blumstein, Bovbjerg. Solan, Frank, Am. Blumstein. James. F., (1991), **Beyond Tort Reform , Developing Better Tools for assessing damages for personal injury** ,Yale journal of regulation,vol8, seen at <http://www.digitalcommons.law.yale.edu/cgi/article1174>, accessed at 24/2/2016
- Buccafusco, Christopher. Bronsteen, John. Masur, Jonathan S., (2009), **Hedonic adaption and the settlement of civil lawsuits**, Chicago kent college of law.
- Czerwien, Joseph., (2014), **Preserving civil jury right, reconsidering the scope of the seventh amendment**, vol 65, issue 2, case western reserve law review.
- Dorey, Diana, I. Rentiers, Brent, L., (2014), **The calculation of damages for Bodily injury claims**, Dolden wallace folick LLP.
- Faure, Michael., **Tort law and economics**, vol1, Sedition, Encyclopedia of law and economics, 2009.
- Geistfeld, Mark., (1955), **Placing a Price on pain and suffering: A method for helping juries determine Tort damages for nonmonetary injuries**, California law review, vol 83, n3, seen at: <http://www.scholarship.law.berkeley.edu>, accessed at 22/5/2017
- Givelber, Daniel., (1092), **The Right to Minimum Social Decency and the Limits of Evenhandedness: Intentional Infliction of Emotional Distress by Outrageous Conduct**, 82 COLUM. L. REV. 42, 44–45.
- Grey, Betsy., (2011), **Neuroscience and emotional Harm in tort law: Rethinking the American approach to free- standing emotional distress claims**, Doi: 10.1093, Arizona state university.
- Halson, (2015), **The recovery of damages for non-pecuniary loss in the united kingdom**, Chinese journal of comparative law3 (2),Doi: 10.1093, 2015
- Hasen, Richard. L., (2017), **Remedies**, Wolter Kluwer,4edition.
- Keefe, Lauren., (2002), **Tort Law - New Mexico Limits Recovery of Negligent Infliction of Emotional Distress to Sudden**, Traumatic Accidents - Fernandez v. Walgreen Hastings Co., 30 N.M. L. Rev. 363.
- Kuresh, Caroline C., (1996), **New Jersey Development: The Extension of the Bystander Liability Doctrine for Emotional Distress to Unmarried Cohabitants: A Critique of Dunphy v. Gregor**, 48 RUTGERS L. REV. 497, 499;
- Lambert, Faivre, Y., Le droit et la., (1992), **morale dans la réparation du dommage corporel**, Dalloz, chapter 135
- Landefeld, Steven, Seskin, Eugene P., (1982),**The economic value of life: Linking theory to practice**, vol 72, n6,AJPh.
- Magruder, Calvert) ,1936), **Mental and Emotional Disturbance in the Law of Torts in the Harvard Law Review** 49 HARV. L. REV. 1033.
- Markel, Dan., (2009), **How should punitive damages work?** 15U.Pa.L. Rev.1383, available at heinonline.org.
- Marlowe, Douglas B. Comment, (1988), **Negligent Infliction of Mental Distress: A Jurisdictional Survey of Existing Limitation Devices and Proposal Based on an Analysis of Objective Versus Subjective Indices of Distress**, 33 VILL. L. REV. 781, 784.
- Oswald, Andrew, J., Powdthavee, Nattavudh, Death., (2008), **Happiness and the calculation of compensatory Damages**, The Journal of legal studies, vol.37, No. s2, legal implications of the new research on happiness, seen at: <http://www.Jstor.org/stable/10.1086/595674>
- PAGE KEETON ET, W. et AL., **PROSSER AND KEETON ON THE LAW**

OF TORTS, at 54–55 (5th ed. 1984).

- Slesnick, Frank, Mulliken. Cynthia, (2004), Assessing economic damages in personal injury and wrongful death litigation: The state of Kentucky, *Journal of forensic economics* 17 (2), seen at <http://jstor.org>, accessed at 11/11/2016
- Stolker, Carel., (1999), **The Unconscious plaintiff: Consciousness as a prerequisite for compensation for non pecuniary loss**. *The international and comparative law, Quarterly*, Cambridge university press, vol 39, n.1.
- Sugarman, Stephen D., (2013), **Tort damages for non-economic losses**, Edward Elgar.
- Sugarman, Stephen, D., (2004), **Tort Reform Through damages Law Reform; An American perspective**, *the sydney law review*, vol 27, seen at <http://www.scholarship.law.berkeley.edu>, accessed at 15/6/2017
- Ubel, Peter, A., Loewenstein, George., (2008), **Pain and suffering awards: they shouldn't be (Just) about pain and suffering**, *The Journal of legal studies*, vol 37, no s2, Legal implications of the new research on happiness, The university of Chicago press for the university of Chicago law school, seen at: <http://www.Jstor.org/stable/10.1086/529072> accessed at 15/05/2018
- Visscher, Louis, Karapanou, Via., (2010), **Towards a better assessment of pain and suffering damages**, *JFTL*1.
- warren, Neocoleous, M., (1997), **Personal injury practice and dure in Europe**, routledge – Cavendish, London.
- Warren, Samuel D. & Louis D. Brandeis, (1990), **The Right to Privacy**, 4 HARV. L. REV. 193.
- Wells, Michael., (2021), **Nominal damages and the Roberts stratagein**, *Georgia law review*, n12.